

همراه با خاطرات استاد غلامرضا میرسپاسی



رونس وطن خواه
دستیار روان‌پزشکی



مریم معصومی
دستیار روان‌پزشکی



■ متن زیر گفت‌وگویی است با استاد پیشکسوت روان‌پزشکی، آقای دکتر غلامرضا میرسپاسی که در دو روز، ۱۵ آبان و ۱۱ بهمن ۱۳۹۶، در بیمارستان میمنت انجام شد.

بسیار خرسند و سپاسگزاریم که این فرصت را داریم با شما هم‌صحبت باشیم. در ابتدا لطفاً خودتان را معرفی کنید و مختصری از سوابق خانوادگی و تحصیلات خود را ارائه فرمایید.

■ **استاد:** متولد سال ۱۳۲۵ در تهران هستم. یک خواهر و یک برادر دارم که هر دو از من بزرگتر هستند و البته یک خواهر کوچک‌تر هم داریم که در دوران کودکی‌اش فوت کرده است. دوران ابتدایی را در دبستان‌های «خستین» و «بهشت» و مقطع متوسطه را در دبیرستان البرز گذراندم و پس از اخذ دیپلم، طبق رسم آن سال‌ها به آمریکا رفتم و به مدت دو سال در «دانشگاه واشینگتن» تحصیل کردم. اما شرایط سختی بود و بنا بر توصیه پدر تصمیم گرفتم در ایران ادامه تحصیل دهم و برگشتم.

دوران دانشگاه چه‌طور گذشت؟ مقاطع مختلف تحصیلی را چگونه و در کجاها گذراندید؟

■ **استاد:** بعد از این که به ایران برگشتم حدود سال ۱۳۴۸-۱۳۴۷ بود و در دانشکده پزشکی دانشگاه تهران مشغول به تحصیل شدم؛ متأسفانه چون واحدهای درسی را که گذرانده بودم قبول نکردند، از اول شروع کردم. سپس دوره سربازی را گذراندم. در آن زمان، درحالی که پزشک عمومی بودم اما عصرها در بیمارستان میمنت بیماران روان‌پزشکی را ویزیت می‌کردم. جهت دوره تخصصی روان‌پزشکی به انگلیس رفتم. گرچه پدرم دوست نداشتند من در خارج تخصص بگیرم، برادرم دکتر محمدحسین میرسپاسی، استاد دکتر طریقتی، استاد دکتر بطحایی و شادروان

دکتر ایرانی‌پور مشوق من بودند. با سختی بسیار درجه‌ی «DPM» و «ممبرشیپ» (membership) را در زمان کوتاهی (چهار سال) گذراندم و برگشتم.

بهترین و شیرین‌ترین دستاورد و یا خاطره شما از دوران دستیاری چه بوده است؟

■ **استاد:** به‌طور کل دوران سختی بود. اساتید صاحب‌نامی داشتم که هرکدام نگرش‌های متفاوتی به روان‌پزشکی را به من آموختند. آقای «دکتر جیم برلی» (Jim Birley)، استاد «دکتر لی» (Denis Leigh)، استاد «دکتر لیسمن» (Prof. Lishman) و «پروفسور شپرت» (Prof. Shepherd) از اساتید من بودند. شاید شیرین‌ترین خاطره مربوط به روزی باشد که نتیجه آزمون ممبرشیپ به دستم رسید. آزمون سختی بود. کمتر از ۵۰ درصد از افراد شرکت‌کننده قبول می‌شدند که سهم افراد خارجی حدود ۱۰ درصد بود. چهار هفته بعد از آزمون، معمولاً روزهای شنبه زمان ارسال نتایج بود و من منتظر نامه بودم. وقتی که نامه را باز کردم نوشته بود «...We are happy to...» و مابقی نامه را نخواندم. نمی‌دانم چه‌طور چهار طبقه ساختمان را بالا رفتم که به همسرم خبر را بدهم. یکی از علت‌های موفقیت من در این آزمون این بود که من از قبل آشنایی با روان‌پزشکی داشتم و از دوران کودکی با پدر بر بالین بیماران می‌رفتم.

از نظر شما فردی که می‌خواهد تخصص روان‌پزشکی را انتخاب کند باید چه خصوصیات داشته باشد؟ آیا موافق انجام مصاحبه جهت گزینش دستیار روان‌پزشکی هستید؟

■ **استاد:** باید پزشکی را خوب بداند، در دوره‌ی روان‌پزشکی خوب درس بخواند و تحت نظارت استاد بیماران را مدیریت کند و مهم‌تر از همه، به این رشته علاقه‌مند باشد. بلکه موافق گزینش دستیار از طریق مصاحبه هستیم، زیرا یک روان‌پزشک باید به این رشته علاقه‌مند باشد و توانایی برقراری رابطه مؤثر با بیمار را داشته باشد.

وضعیت فعلی انجمن علمی روان‌پزشکی ایران از نظر شما چگونه است؟ چه پیشنهادهایی برای بهبود عملکرد انجمن دارید؟

■ **استاد:** انجمن علمی روان‌پزشکی ایران در سال ۱۳۴۵ با تلاش چند تن از پیشکسوتان روان‌پزشکی و روان‌پزشکان تأسیس شد. من نیز پس از بازگشت به ایران در انجمن حضور داشتم. پس از وقفه‌ای نسبتاً طولانی، انجمن در سال ۱۳۷۵ مجدداً شروع به فعالیت کرد و من عضو هیئت‌مدیره‌ی انجمن بوده و در سمت‌های خزانه‌دار، نایب‌رئیس و رئیس انجمن فعالیت داشته‌ام. در زمان ریاست من، جناب آقای دکتر مظاهری دبیر انجمن بودند که بسیار توانا بودند. در حال حاضر مسئول کمیته‌ی درمان‌های زیست‌شناختی انجمن هستیم. همچنین در هماهنگی تدوین گایدلاین‌ها با انجمن همکاری دارم. همواره با انجمن علمی روان‌پزشکان همکاری داشته و از این همکاری احساس خوشنودی دارم زیرا این نوع فعالیت‌ها برای یاد پدر را زنده می‌کند.

پدر، «استاد عبدالحسین میرسپاسی» بنیان‌گذار و مؤسس انجمن و «مرحوم استاد حسین رضاعی» نخستین رئیس انجمن بودند. عکس من در دفتر انجمن کنار عکس پدر است.

جناب آقای دکتر جلیلی تمام ذهن و فکرشان انجمن علمی روان‌پزشکان است و ارتباط مؤثر ایشان با سایر انجمن‌های علمی پزشکی باعث استحکام بیشتر انجمن علمی روان‌پزشکان شده است. سرکار خانم دکتر مریم رسولیان، ریاست فعلی انجمن، از طریق ارتباطات مؤثر با خبریه‌ها، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و ... در جهت بهبود وضعیت انجمن علمی روان‌پزشکان خدمات ارزنده‌ای انجام داده‌اند. اعضای کارآمد انجمن دکتر محمدتقی یاسمی (نایب‌رئیس)، دکتر همایون امینی (دبیر)، دکتر امیر شعبانی (خزانه‌دار)، دکتر سید احمد جلیلی، دکتر مهدی نصر اصفهانی، دکتر محمدعلی همتی، دکتر محمدرضا خدایی (بازرس)، دکتر فرید فدایی و دکتر مهری نجات و نیز همکاران کارآمد دفتر سرکار خانم‌ها زهرا خلفی و زهرا جانباز نیستانی در جهت بهبود هر چه بیشتر وضعیت انجمن اقدامات ارزنده‌ای انجام داده‌اند.

بخش جایزه‌ی استاد دکتر داویدیان که با ایده‌ی جناب آقای دکتر جلالی در دو دوره‌ی اخیر کنگره‌ی روان‌پزشکی اجرا شد، اقدام بسیار مناسبی در جهت زنده نگاه داشتن یاد «استاد دکتر هاراطون داویدیان» بوده و همچنین بستری مناسب در جهت حمایت از ایده‌های خلاقانه‌ی روان‌پزشکان جوان فراهم می‌کند.

پیشنهاد من برای انجمن، حمایت هر چه بیشتر اعضا است و این که اعضا انجمن را از خودشان بدانند و با حمایت مالی و معنوی خود به بهبود وضعیت انجمن کمک کنند.

وضعیت فعلی روان‌پزشکی کشور را چه‌طور ارزیابی می‌کنید؟ دخترتان خانم دکتر میرسپاسی برای دوره‌ی تخصصی به خارج از کشور نرفتند...

■ **استاد:** من به ایشان توصیه کردم، از آنجاکه عضو هیئت‌تحریریه یکی از مجلات کالج سلطنتی روان‌پزشکان هستیم و دوستانی نیز در آنجا دارم، حتی پیشنهاد هم شد، لیکن خانم دکتر شفاف و واضح پاسخ‌شان منفی بود.

در مورد وضعیت کنونی روان‌پزشکی باید گفت که امکانات نسبت به قبل خیلی بهتر شده، به‌خصوص تعداد روان‌پزشکان خیلی بیشتر شده، آگاهی افراد در مورد بیماری‌ها افزایش یافته و در زمینه انگ‌زدایی اقدامات بسیاری انجام شده که البته همچنان نیاز به فعالیت‌های بیشتر هست. همچنین تعداد روان‌پزشکان هنوز کافی نیست. گاهی روان‌پزشکان جوان نگران هستند و بیان می‌کنند با افزایش تعداد روان‌پزشکان، مراجعین کمی خواهیم داشت ولی من این‌طور فکر نمی‌کنم. شاید در برخی از شهرهای بزرگ تعداد کافی باشد. در همه مناطق کشور روان‌پزشک وجود ندارد و بهتر است خدمات در تمام مناطق کشور در دسترس بیماران باشد.

در مورد دورانی که در بیمارستان روزه حضور داشتید چه‌طور؟

■ **استاد:** تمامی مباحث را به دانشجویان، جامع می‌گفتم. مبحث «روان‌پزشکی عضوی» (Organic psychiatry) که کمتر در موردش آموزش داده می‌شد را جامع به آن‌ها تدریس می‌کردم.

به‌طور کل فرد آرامی هستیم و با دیگران ارتباط خوبی برقرار می‌کنم و دوستان نسبت به من محبت داشتند. در طی سال‌ها، مدتی مسئولیت برنامه‌دستیاری با من بود، عضو هیأت‌بورد شدم و چند سالی نیز دبیر هیأت‌بورد بودم. مسئولیت تهیه ضوابط بیمارستان روان‌پزشکی را نیز داشتم. و بالاخره سال ۱۳۸۲ درخواست بازنشستگی دادم. اگر بازنشسته نشده بودم، امسال آخرین سال کاری من بود. اگر امکانش بود که دوباره تصمیم بگیرم، این کار را نمی‌کردم. آن زمان آقای دکتر امینی رئیس بیمارستان بودند و آقای دکتر محمدی مدیر گروه، سعی کردند من را منصرف کنند ولی نشد.

توصیه شما به دستیاران روان‌پزشکی و روان‌پزشکانی که در ابتدای راه هستند چیست؟

■ **استاد:** همیشه گفتم، بیمار محترم است. نکته مهم قابل توصیه به تمامی روان‌پزشکان آن است که هیچ‌گاه احترام به بیمار را فراموش نکنند و در اولویت تمام فعالیت‌هایشان قرار دهند. ممکن است انتظارات بیمار با منطق ما متفاوت باشد ولی سعی کنیم آنها را درک کنیم.

استاد، وضعیت بیمارستان‌های خصوصی در طرح تحول سلامت چگونه است؟

■ **استاد:** در بیمارستان روان‌پزشکی میمنت پس از طرح تحول سلامت وضعیت درآمد بیمارستان بهبود یافته است. تنها مشکل عدم حمایت مناسب شرکت‌های بیمه است.

شما جمعه‌ها و ایام تعطیل در بیمارستان میمنت بیماران را ویزیت می‌کنید؟

■ **استاد:** بله چون بیماران منتظرم هستند. رعایت اصول مربوط به روابط اولیه انسانی میان پزشک و بیمار بسیار مهم است. ارائه پاسخ درست به سؤالات بیمار باحوصله و صبر، برقراری ارتباط دوستانه میان پزشک و بیمار و هم‌دردی توسط پزشک، مهم‌ترین نکاتی است که باید مورد توجه قرار گیرد.

ضمن سپاس فراوان به جهت حضور جناب‌عالی در این مصاحبه، منتظر شنیدن صحبت پایانی شما هستیم!

■ **استاد:** من خودم را موظف می‌دانم که بیان کنم که بیمارستان میمنت توسط استاد «عبدالحسین میرسپاسی» در سال ۱۳۱۷ بنیان‌گذاری شد و سال آینده ۸۰ ساله می‌شود. شادروان عباس فرهودی حسابی (معزالسلطنه) پدر بزرگ مادری‌ام، در تأسیس «بیمارستان خصوصی میمنت» نقش پررنگی داشتند و از این که دخترم «زهرا جان» راه من و پدرم را ادامه می‌دهد بسیار خرسندم.